

چین‌شناسی ایرانیان در پرتو ترجمه‌های دوره قاجاریه

امیر محمد احمدزاده^۱

چکیده

روابط سیاسی بین ایران و چین از سال‌های پیش از تأسیس قاجاریه و در تمام قرن نوزدهم میلادی وجود نداشت؛ علت این امر درگیری دو کشور با بحران و مسائل داخلی و تضعیف قدرت آنان در نتیجه ضعف نیروی دریایی و مواجهه با دول قدرتمند و سلطه‌گر اروپایی بود. با این وجود، ترجمه آثاری در باب تاریخ چین و سفرنامه اروپاییان در این خصوص و نیز سفرنامه چند نفر از رجال قاجار به چین در قرن نوزدهم نوعی تناقض در کش‌ها را نشان می‌دهد. مساله نوشتار حاضر، بررسی و تحلیل علل توجه مراکز رسمی ترجمه دوره قاجار به تاریخ چین است. آیا رویکرد ایرانیان در مواجهه با چین در تداوم نگرش تمدنی-باستانی پیشین بوده و یا متأثر از تحولات مدرن و مسائل مشابه دو کشور در دنیای قرن نوزدهم صورت گرفته است؟ چه متونی ترجمه شده و علل توجه به ترجمه این متون چه بود؟ سفارش دهندگان و مصرف کنندگان متون ترجمه شده از چه سنجی بودند؟ دستاورد تحقیق نشان می‌دهد که علت توجه شاهان قاجار به ترجمه متون در باب چین را می‌توان نوعی علقه تاریخی مشترک در قالب تمدن‌های دنیای کهن، سیستم و الگوی اداره سرزمینی در قالب امپراتوری و ممالک محروسه، سنت‌ها و الگوهای زیست اجتماعی، تشابه شرایط و مسائل جوامع دو قلمرو و علاقه به طب چینی و تداوم الگوی طب سنتی پزشکی در ایران قاجاری از یک سو و مواجهه امپراتوری چین با تحرکات مسلمانان آن دیار از سوی دیگر دانست.

واژگان کلیدی:

ایران، چین، قاجاریه، چین‌شناسی ایرانیان، ترجمه‌ها

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۹/۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲

۱. عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

m.ahmadzadeh@ihch.ac.ir

۱. مناسبات ایران و چین در سپهر تاریخی

رابطه ایران و چین از سوابق تاریخی طولانی برخوردار است و می‌توان آن را به چند دوره تقسیم‌بندی کرد:

الف) دوران باستان؛ که خود به عصر پهلوانی، دوره اشکانی و دوره ساسانی قابل تقسیم است. در دوره باستان مهم‌ترین حلقه واسطه در ارتباطات ایران و چین، راه ابریشم بود که شرق جهان آن روز را به ایران و غرب متصل می‌ساخت. این شاهراه بزرگ فرهنگی-تمدنی در توسعه روابط ملت‌ها، شناخت جوامع از هم و ثبت داده‌ها در موضوعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقش کم‌نظیری داشت. در این راستا، روایت‌های متعددی در منابع آن دوره وجود دارد که سیاحان، بازرگانان و کنشگران ممالک ایران و چین به طرح مسأله در موضوعات دیگری پرداخته و خود را نیز در آینه دیگری نگریسته‌اند. برخی از این روایت‌ها به کنکاش در باب ایرانیان از منظر چینی‌ها مربوط است و همچنین، بررسی چین از نگاه سیاحان ایران در پی این رفت و آمدها که مبادلات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی رخ داده است. اولین روایت‌پردازی چینی‌ها در مورد ایرانیان به دوره اشکانی برمی‌گردد که سفیر چین از ایرانیان به عنوان مردمانی دهقان و مشغول به کشاورزی و با شهرهایی دارای قلعه‌های بزرگ و کوچک یاد کرده است. در این گزارش تاریخی، به مهارت ایرانیان در بازرگانی و اقتباس قالب‌گیری سلاح از چینی‌ها اشاره دارد (آذری، ۱۳۶۷: ۳۳-۳۲).

ب) دوره قرون اولیه اسلامی؛ روایت‌پردازی ایرانیان از چین برای معرفی و شناساندن آن قلمرو به مخاطبان جامعه خود به دوره پس از اسلام بازمی‌گردد، هر چند که موضوع و مسأله این روایت‌های شاعرانه به وقایع و حوادث دنیای باستانی از جمله داستان افسانه‌گونه رهسپاری اسکندر مقدونی به چین و یا لشکرکشی خاقان چین به جنگ بهرام مربوط است که مورد توجه ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه قرار گرفته است

(فردوسی، ۱۳۷۳: ۲۲۴۱/۷-۲۲۳۹). پس از آن، عمده روایت راویانی که به وصف چین پرداخته‌اند، به طرح موضوع صفات مکتسبه و هنرهای چینی متمرکز است. به گونه‌ای که برخی از راویان، توصیف خود از چین و چینی‌ها را به هنر پزشکی و طب سنتی محدود کرده و عده‌ای در وصف چین به عادات غذایی آنان در مصرف برنج و یا نوع پوشش زنان چینی و همچنین به هنر آنان در خلق ظروف خاص متمرکز شده‌اند و از ظنّ خود به روایتی متفاوت از چین و چینی‌ها مبادرت نموده‌اند. توسعه مناسبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بین دو سرزمین و تمدن کهن شرقی (ایران و چین) در دوره پس از اسلام به حدّی بود که به انتقال باورها، دانش‌ها و فرهنگ دو ملت در سرزمین یکدیگر انجامید.

ج) عصر طلایی مناسبات ایران و چین؛ عصر طلایی این تبادلات میان دو فرهنگ
را می‌توان معاصر با سلطه مغولان بر دو تمدن کهن ایران و چین دانست، زیرا ممالک مفتوحه از سوی مغولان از چین تا مدیترانه به یک جغرافیای یکپارچه و متصل و فاقد مرزهای سیاسی محدودکننده تبدیل شد و گروهی از دانشمندان چینی در رکاب هلاکو وارد ایران شدند. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در خدمت ایلخانان با تألیف جامع‌التواریخ، نقش برجسته‌ای در بازشناسی ممالک دوردست از جمله چین و اخذ علوم ختایی (چینی) از جمله پزشکی ایفاء کرد. اوج تأثیرات چین بر تمدن و فرهنگ ایران به دوره تیموری و به طور خاص به عصر بایسنقر میرزا بازمی‌گردد. این روند به حدّی اهمیت داشت که مورخان شاخص این دوره به روایت تاریخ و جغرافیای چین پرداخته‌اند. خواندمیر در روایت خود از مملکت ختا (چین) به سرزمینی با فسحت فضا و لطافت آب و هوا، بساتین روح افزا، نهرهای بزرگ با سی گز عرض، راه‌های معمور و بتخانه‌ها و دکاکین بسیار یاده کرده است (خواندمیر، ۱۳۸۷: ۴/۶۳۴).

انتقال دانش پزشکی چینی به ایران در دوره مغولان و ایلخانان به اوج رسید؛ در این دوره خواجه رشیدالدین فضل‌الله از پزشکان چینی برای تأسیس بیمارستانی در مراغه بهره گرفت. در بیمارستان (دارالشفاء) ربع رشیدی همچون سایر بیمارستان‌های

وابسته به تشکیلات علمی خواجه رشیدالدین، تعدادی پزشک چینی به کار گماشته شده بود. از آنجا که ربع رشیدی سازمان علمی و آموزشی بود، پزشکان فقط به امور درمانی نمی پرداختند و استادان در بیمارستان به تعلیم و آموزش عملی دانشجویان نیز اشتغال داشتند. همچنین کتاب وانگ شوخه از درس نامه های پزشکی چینی در ربع رشیدی بود (ای دان، ۱۳۷۹: ۲۱). خواجه رشیدالدین در نامه ای به فرزند خود بر به کارگیری پنجاه طبیب حاذق از دیار هند و چین و مصر و شام تأکید کرده "تا هر روز در دارالشفاء ما متردد باشند و پیش هر طبیبی دو کس از طالب علمان مستعد نصب کردیم تا به این فن شریف مشغول گردند" (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۵۸: ۲۹۰؛ همان، ۱۹۴۵: ۳۱۹). گردآوری کتاب های چینی در موضوعات پزشکی، دانش و فرهنگ چینی از سوی خواجه رشیدالدین فضل الله بیانگر اهمیت این کشور و میراث آن در ایران دوره ایلخانی است. خواجه خود در عرصه شناسایی و شناساندن چین، فرهنگ، دانش و تاریخ آن به تألیفات مهمی پرداخته است که تانکسوق نامه را به عنوان دانشنامه ای در پزشکی و گیاه شناسی چینی، آداب و رسوم، کشورداری و نظام حکومت در چین نوشت. خواجه در این اثر از تندرستی و بهداشت جسم، آرامش و امنیت اجتماعی به عنوان دو مکمل همدیگر در طب چینی برای انسان یاد کرده است. مقدمه این دانشنامه به نبض شناسی یا رگ شناسی و گیاه شناسی پرداخته است و این اثر برگرفته از منابع مختلف طب ختایی است که خواجه به ذکر و شرح منابع آن توجه کرده است. بخش دیگری از آثار خواجه رشیدالدین در موضوع شناسایی و شناساندن چین به ایرانیان و توجه به جغرافیای ممالک و سرزمین های چین اختصاص یافته است که صورالاقالیم در این راستا نگارش یافته است. حوزه سومی که خواجه در چین شناختی خود به آن متمرکز است، مسأله زبان و حروف ختایی است که مهم ترین ابزار و کانال انتقال فرهنگ چینی به ملل دیگر بوده است.^۱ در نتیجه این سنخ از تلاش ها بود که مناسبات ایران عصر ایلخانی با

۱. در این زمینه بنگرید به: ای دان، ۱۳۸۵: ۳۲-۱۹

چین به اوج رسید و شناخت ایرانیان از چین در قالب انتقال دانش‌های مؤثر و کاربردی همچون طب ختایی به بسترهای اجتماعی نیز انتقال پیدا کرد.

د) مناسبات ایران و چین در عصر جدید؛ در دوره صفویه مهم‌ترین وجهه همت ایرانیان در چین‌شناسی را خطای‌نامه تشکیل می‌دهد که اثری در شرح مشاهدات سید علی‌اکبر خطائی از معاصران شاه اسماعیل صفوی است. مؤلف سفیر دربار عثمانی^۱ در چین بوده که بنا به دیدار از چین به خطائی شهرت پیدا کرده است. او به طرح مطالبی در خصوص مردمان چین، تمدن و مسلمانان ساکن آنجا و احترام مردمان به قانون پرداخته است. سید علی‌اکبر از میل و گرایش زیاد مشرق به اسلام سخن آورده و اینکه مسلمانان در چین بسیارند و تجارت و داد و ستد می‌کنند. او از تأسیس مساجد متعدد در چین و تأسیس چهار جامع از سوی خاقان چین سخن آورده است (خطائی، ۱۳۷۲: ۴۹-۴۸). به روایت خطائی با توجه به علاقه صفویه به هنرهای ظریف، مناسبات ایران و چین در این دوره برقرار بوده است و در کاشی‌های ظریف و زیبای ایرانی به طور مشهود از نمونه‌های چینی تقلید شده است. به روایت ویل دورانت نقشه عمارت چهل ستون اصفهان را از چین آوردند (ویل دورانت: ۱/ ۵۳۵) و در عوض، چینی‌ها نیز به اخذ و انتقال سنگ لاجورد کاشان برای نقش و نگارهای ظروف چینی در این دوره اقدام کردند.

۱. کتاب خطای‌نامه در ۹۲۲ ق. نوشته شده و طبق مقدمه چاپ اول آن از ایرج افشار بنا به استناد ذکری که از سلطان سلیم بن بایزید عثمانی در خطبه آورده، کتاب را در زمان سلطنت آن پادشاه عثمانی تألیف و به نام او صادر کرده و مدیحه‌ای هم در حق او در همان خطبه آورده است (مقدمه چاپ اول، صفحه بیست و شش). همچنین مؤلف از اشاره‌ای که به قزلباش کرده است و از آنان به عبارت نفرینی خذله‌م الله (ص ۱۶۷ کتاب) یاد کرده، قطعی است که از اهل سنت و جماعت بوده و روی آوردن او به دربار آل عثمان و تقدیم کتاب به شاه سلیم از همین باب بوده است. محتمل است که چون از سفر به چین بازگشته، کلیه مناطق ایران را به علت وقوع محاربات در وضع نامطمئن دیده، پس ماندن در ایران را مصلحت ندانسته و خود را به استانبول رسانیده است. او در این کتاب چند بار از سلطان روم به احترام نام برده است (همان، صفحه بیست و نه). افزون بر آن باید گفت که این اثر در دوره سلطان مراد توسط حسین افندی به ترکی ترجمه و به قانون نامه چین و خطا موسوم شده است. مترجم آن را حسین هزار فن نام برده‌اند (مقدمه چاپ اول، صفحه سی و سه). منبع: خطای‌نامه (شرح مشاهدات سید علی‌اکبر خطائی معاصر شاه اسماعیل صفوی در سرزمین چین)، به کوشش: ایرج افشار، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا با همکاری مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲.

۲. ایران و چین در قرن نوزدهم؛ عصر مواجهه با مسائل مشابه

در قرن نوزدهم روابط سیاسی بین ایران و چین وجود نداشته است و دو تمدن کهن ایران و چین بنا به وقوع حوادث و بحران‌های داخلی از جمله نفوذ و سلطه قدرت‌های سیاسی قرن نوزدهم، امکان تماس و برقراری روابط سیاسی و تجاری و فرهنگی نداشتند. این در حالی بود که دوره ایلخانان و تیموریان اوج مناسبات همه جانبه دو کشور بوده است. در ابتدای قرن نوزدهم، قدرت‌های استعماری با در اختیار گرفتن راه‌های دریایی و تسلط بر منابع حیات دو سرزمین آسیایی به تضعیف استقلال و آزادی این ممالک مبادرت کرده بودند. ایران و چین بنا به الگوی معیشت و ساخت اقتصاد سنتی مبتنی بر کشاوری و مبادلات کالایی نیاز به کالاهای خارجی نمی‌دیدند و این امر عامل مهمی بود که به ویژه چین از اواسط قرن پانزدهم نیازی به دریانوردی‌های خود نبینند. در نتیجه، عدم توسعه راه‌های دریایی در دو کشور آسیایی، راه نفوذ مهمی برای سلطه دول قدرتمند و دریانورد اروپایی بر ممالک فاقد تجهیزات و نیروی دریایی مدرن بود (مین، ۱۳۵۴: ۴۷). بنا به تغییر هندسه نظام جهانی، ایران از ابتدای حکومت قاجار و چین در اواخر حکومت خاندان مینگ با تهدید سرزمینی، هویتی و سیاسی دولت‌های قدرتمند اروپایی مواجه شدند.

در این دوره، برخی از ایرانیان برای سیاحت، جهانگردی و تجارت به چین سفر کردند و بنا به نوع و سطح شناخت خود به ارایه روایات از دیده‌ها و شنیده‌ها پرداختند. حاج سیاح محلاتی و میرزا علی‌اصغر خان اتابک امین‌السلطان با خرج و هزینه خود به چین رفتند. آنان با توجه به عدم مناسبات سیاسی رسمی بین ایران و چین از طریق سفارت آمریکا یا ژاپن ویزا گرفتند. از دولتمردان دیگری که در کنار اتابک امین‌السلطان به چین سفر کرده، مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) است که رهاورد این سفر را در قالب سفرنامه مکه از راه چین و... ثبت و بعدها منتشر کرد.

بازرگانان و سیاحان ایرانی علیرغم درگیری ساختار سیاسی با مسائل داخلی، بدون تکیه به حمایت دولت مرکزی، با چین و ممالک دیگر روابط تجاری برقرار کردند و در

بندرعباس، بوشهر و چاه‌بهار به مبادله کالاهای چینی مشغول بودند. بنا به روایت برخی منابع، حجم مبادلات بازرگانان ایرانی با چین و خاور دور و برخی دول اروپایی به دوازده میلیون و دویست و چهل و هشت هزار قران صادرات می‌رسید. سدیدالسلطنه کبابی از ورود کالاهای چینی به ارزش نوزده هزار و هفتصد و شصت تومان در سال ۱۳۲۷ق. سخن گفته است (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۱۸۷-۱۸۳). مبادلات بازرگانان ایرانی با چین بدون نقش‌آفرینی دولت قاجار صورت می‌گرفت و تجار به منظور تأمین امنیت سرمایه و مبادلات خود به ویژه در تجارت از راه دریایی جنوب ایران ناگزیر از پذیرش تابعیت دول استعماری بودند. بازرگانان ایرانی کنشگر در مناسبات تجاری با چین عمدتاً از شهرهای یزد، شیراز، بوشهر و بهبهان بودند و در شهرهای شانگهای و کانتون تجارتخانه داشتند. لرد کرزن از انتقال و تجارت پنجاه و دو هزار لیره تریاک خراسان از راه هند به چین در ۱۸۸۹م. سخن گفته است (کرزن، ۱۳۴۷: ۲۶۹-۲۶۸؛ حاج سیاح محلاتی، ۱۳۵۶: ۷۹). سدیدالسلطنه به قیاس حجم انتقال تریاک از ایران به چین و هند پرداخته که سه هزار و پانصد و هشتاد و یک من به چین و هشتاد و نه من به هند صادر شده است.

در قرن نوزدهم میلادی، حکومت منچو که همزمان با عصر شاه تهماسب اول صفوی شکل گرفته بود، بر چین تداوم یافت و با الگوی امپراتوری و اداره ممالک به سیستم سازماندهی سنتی تا چند سال پس از انقلاب مشروطه ایران نیز باقی بود (۱۳۲۹-۱۰۵۴ق.). حکومت منچو در قرن نوزدهم با اعمال سیاست‌های تند نسبت به چینی‌ها و بویژه اقلیت‌های مذهبی از جمله مسلمانان مشهور بود، که اتخاذ این سیاست‌های ویرانگر به شکل‌گیری عصری از منازعه و نزاع داخلی بین مسلمانان و حکومت در چین انجامید. نتیجه این منازعات طولانی، امتناع مسلمانان چین از امور سیاسی و دولتی بود که تا پایان حکومت امپراتوری در چین تداوم یافت. این روند از بحران داخلی، همزمان با تسلط دول قدرتمند استعماری اروپا بر منابع حیاتی سرزمین چین و نیز غلبه آنان بر راه‌های دریایی چین رخ داد.

۳. مسلمانان چین و مسأله آنان با امپراتوری چین

علاوه بر جاده ابریشم، مناسبات سیاسی و فرهنگی دو سرزمین از طریق نفوذ و انتقال ادیان ایرانی به چین و رشد مناسبات دولت‌های دو کشور در دوره ساسانی قابل بررسی است. در منابع، از آزادی ادیان در عصر امپراتوری سلسله تنگ سخن به میان آمده است که پیامدش تأسیس آتشکده از سوی ایرانیان در پایتخت چین بود. روند انتقال دین زردشتی در چین به گونه‌ای پیش رفت که پیروان این آیین به دربار چین راه یافته‌اند. علاوه بر این، مانویان نیز به ترجمه آثار خود به زبان چینی و جذب پیروان از آن جامعه پرداخته و ایرانیان مسیحی از شاخه نسطوری نیز به اشاعه دین خود در چین و هند اقدام کرده‌اند. پس از اسلام، انتقال دینی از ایران به ممالک چین همچنان اثرگذار بود؛ مسلمانان در حیات سیاسی-اجتماعی خود در چین دو عصر مهم و متناقض را سپری کرد. دوره اول از آغاز مهاجرت مسلمانان در سال ۱۳۸ق. به چین تا اوایل حکومت صفویه را در بر می‌گیرد. در این دوران، مسلمانان گروه‌هایی کنشگر و مؤثر در عرصه تجارت دریایی بودند و از طریق ازدواج با چینیان در جامعه آنها جذب شدند. این دوره عصر همگرایی بود و در ادواری مانند عصر سلطه مغولان بر چین و ایران، این روند بسیار مطلوب پیش رفته است. اما دوره دوم که عصر نزاع و واگرایی بین مسلمانان و چینی‌ها بود، بنا به سیاست‌های امپراتوری منچو، همزمان با دوره شاه تهماسب اول صفوی شروع شد و تا پس از انقلاب مشروطیت در ایران ادامه یافت. این دوره بر انزوای مسلمانان چین افزود، به گونه‌ای که مناطق مسلمان‌نشین در مقایسه با دیگر مناطق از سطح سواد و فرهنگ پایین‌تری برخوردار بودند. مسلمانان چین در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی به انتشار آثاری حاوی دفاع از اندیشه‌های اسلامی و موازین آن اقدام کردند. این آثار بر آن بود تا نوعی همگرایی و همخوانی بین دین اسلام را با جریان اصلی زندگی و فرهنگ چین و تعلیمات سنتی کنفوسیوسی نشان بدهد. با این حال، دوره مذکور با افزایش انزوای جغرافیایی و محدودیت منابع فکری برای مسلمانان همراه بود. واکنش اولیه مسلمانان به این فضای سخت سرکوب، درون‌گرایی و تمایل به

چین‌شناسی ایرانیان در پرتو ترجمه‌های دوره قاجاریه / ۲۱۷

دفاع از اسلام به مثابه امری هویتی و ممیزه هویت بود (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۶۸۱-۶۷۹). در این دوره نوعی باورهای منجی‌گرایانه در مسلمانان چین برای رهایی از شرّ ظلم و ستم حکام شکل گرفت و در فاز بعدی به شورش و جنبش برای اعتراض به حکام اقدام کردند. یکی از زمینه‌های بحران در مناسبات بین مسلمانان چین و امپراتوری منچو شکل‌گیری تعارض بین فرهنگ چینی با فرهنگ مسلمانان بود. در این دوره نوعی قطب‌بندی شدید رخ داد و مسلمانان به اصول عرفانی و اعتقاد به وجود منجی روی آوردند. باید اذعان کرد که اعتراض و جنبش مسلمانان به منظور تثبیت هویت فرهنگی‌شان بود (ایزرائیلی، ۱۳۶۸: ۱۷) و بر آن بودند که سنت‌های اسلامی خود را زنده کنند. اما از سال ۱۷۳۱م. آزادی مسلمانان در اجرای مراسم عبادی‌شان محدود شد و سپس آیین سنتی ذبح حیوانات ممنوع گردید و در دوره امپراتور چی-ین لونگ احداث مساجد جدید و زیارت حج قدغن شد و تلاش برای القاء فرهنگ چینی به اقلیت‌ها شدیدتر گردید (همان: ۱۰۹). حتی در قرن نوزدهم، دیدگاه حکومت چین بر آن بود که خطر دین خارجی از تهدید قدرت سیاسی بیگانه کمتر نیست و آنان اسلام را تهدیدی بزرگ در چین تلقی کردند. به تدریج نیز مسیحیت در چین نفوذ پیدا کرد و بسط یافت و احساس خطر چینی‌ها در برابر مسیحیت به ویژه پس از جنگ تریاک، شدت گرفته بود. مسیحیت در چین بر آن بود که با اقدامات تبلیغی صلح‌آمیز و نظامی به تغییر چین از درون بپردازد و قیام تایپینگ نشان داد که چگونه یک آرمان و باور نیمه مسیحی می‌تواند کلّ نظام کنفوسیوسی چین را به سقوط بکشاند. مردم چین طی سال‌های ۱۸۶۴-۱۸۵۱م. قیام تایپینگ را به راه انداختند که رهبر آن هونگ شو چوان بود و هدفش مبارزه با فقر و فساد و ایجاد عدالت و برابری بود. این جنگ در چین رخ داد و بین ۲۰ تا ۱۰۰ میلیون کشته شدند. در این قیام مراکز فرهنگی و کتابخانه‌های بسیاری در آتش سوخت و آثار و مکان‌های فرهنگی متعددی تخریب شد. این قیام علیه خاندان سلطنتی شکل گرفت و مدعی طرفداری از مسیحیت بود، اما بریتانیا از خاندان سلطنتی چین حمایت کرد و آن قیام سرکوب شد.

در چین، علاوه بر جنگ اول تریاک که به مدت سه سال تا ۱۸۴۳م. ادامه داشت؛ در سال ۱۸۵۶م. جنگ دوم تریاک شروع شد که تا ۱۸۶۰م. انگلیسی‌ها در آنجا درگیر مسائل نظامی و تجاری بودند. ریشه مسائل در آن زمان این بود که واردات گسترده چای از چین سبب کاهش ذخایر نقره انگلستان شده بود. در نتیجه، کمپانی هند شرقی در هند نیز صدور و خروج نقره را متوقف کرد و فقط به شکل مبادله پایاپای در مقابل دریافت چای از چین، تریاک و پارچه کتان هندی را به چینی‌ها می‌فروخت. با رواج شدید اعتیاد به تریاک در چین و افزایش واردات تریاک از هند، ذخیره نقره چین نیز کاهش یافت. چینی‌ها ناگزیر واردات تریاک از هند و بسیاری از اقلام وارداتی دیگر را ممنوع کردند. اعمال محدودیت بر کالاهای وارداتی در بندر کانتون، تجار انگلیسی را ناراضی کرد (دبیری، ۱۳۹۲: ۱۷-۲). در ماه ژوئن ۱۸۴۰ نیروی دریایی انگلیس برای گشودن دروازه‌های تجاری چین، به دهانه رود کانتون لشکر کشید و نخستین جنگ تریاک آغاز شد. جنگ تریاک دوم از سال ۱۸۵۶ تا سال ۱۸۶۰م. به درازا کشید و مسائل مشابهی ایجاد کردند. هدف بریتانیا از این جنگ، قانونی کردن تجارت تریاک، گسترش تجارت برده، گشودن دروازه و بازارهای چین به روی بازرگانان انگلیسی و معافیت واردات خارجی از تعرفه‌های گمرکی بود.

این سنخ از رخداد‌های تاریخی (بحران‌های داخلی و خارجی)، نقشی مهم در توجه دادن جهان و دربار ناصرالدین شاه به آگاهی از مسائل و اوضاع چین داشت و شاه قاجار ترجمه برخی سفرنامه‌های اروپاییان در باره چین را شخصاً مطالعه کرد و یا دستور ترجمه آنان را داد. او پس از بررسی اخبار و اوضاع چین در سفرنامه‌ها در مقدمه آنها به خط خود نوشته است که: «تماماً ملاحظه شد».

۴. ترجمه متون در باره چین؛ علل و انگیزه‌ها

هر دو کشور با مسائل و چالش‌های درونی که به طور مشخص بحران‌های داخلی و سلطه قدرت‌های بزرگ بر اداره امور سرزمین خود بود، مواجه شدند. بریتانیا در چین

پس از پیروزی‌هایش در جنگ اول و دوم ترپاک توانسته بود تسلط جدی بر چین بیابد. همچنین ایران نیز نیمی از قلمروش را در عصر ناصرالدین شاه تحت تأثیر کنشگری نیروهای انگلیسی و سیاست‌گزاری‌های آن بود.

مشاهده و شناخت مستقیم ایرانیان از چین و شناخت ترجمه‌ای یا با واسطه از چین در پرتو ترجمه متون انگلیسی مرتبط با این حوزه، هم در دوره فتحعلی‌شاه و هم در دوره ناصرالدین شاه صورت گرفته است؛ ترجمه تاریخ و سفرنامه‌های اروپاییان در مورد چین و نیز تألیف آثاری از سوی سیاحان ایرانی بازدیدکننده از چین، اصلی‌ترین داده‌ها و شناخت ایرانیان دوره قاجاریه از چین قرن نوزدهم بوده است. روایت و نوع داده‌های موجود در نوشته‌های اروپایی با دیدگاه‌های ایرانیان مشاهده‌گر چین از منظرهایی متفاوت است و علت این تفاوت‌ها را در جهان‌بینی و نوع رویکرد دو گروه باید جست. ایرانیان به طور ضمنی از همدردی با چین بنا به شرایط مشابه سیاسی و سلطه استعمار سخن گفته‌اند و مؤلفان اروپایی ضمن پرداختن به آداب و رسوم چینیان گاهی از آنان به عنوان وحشیان یاد کرده‌اند که بیانگر تفاوت جهان‌بینی و مسائل سیاسی رخ داده در آن عصر بود. این پرسش مطرح است که علل گرایش مترجمان ایرانی به بازخوانی و مطالعه تاریخ چین و تحولات آن در دوره قاجار چه بوده است؟

۴-۱. معرفی سفرنامه‌ها در موضوع چین

۴-۱-۱. متون ترجمه شده توسط میرزا عیسی گروسی در باره چین

الف) سفرنامه دکتر هارمان [نسخه خطی]، دکتر هارمان؛ مترجم: عیسی - (میرزا عیسی-خان گروسی)، سال ترجمه: ۱۲۹۷ ق. دکتر هارمان سفری به هند و چین - داشت که ره‌آورد سفر خود را این سفرنامه قرار می‌دهد. در سفرنامه او، مطالب جالب توجهی از عادات، رسوم، آداب و اوضاع جغرافیایی محل ارایه شده است که این اثر را به سال ۱۸۷۷م. در تور دومند انتشار می‌دهد. اصل سفرنامه یک بار ترجمه شده و نسخه حاضر در کتابخانه ملی، متمم آن است.

ب) ترجمه توردومند [نسخه خطی] ترجمه: عیسی مترجم مخصوص (میرزا عیسی خان گروسی). این اثر در سال ۱۳۰۳ ق. ترجمه و به ناصرالدین شاه تقدیم شده است. عیسی مترجم در مقدمه آورده است: «اخبار مندرجه در ملفوفه (توردومند) که بر حسب امر جهانمطاع اقدس همایون ترجمه گردید تقدیم می‌نماید» و در پایان نسخه آمده است: «ترجمه و تحریر چاکر خانه‌زاد عیسی مترجم مخصوص در چهاردهم عید نوروز به اتمام رسید». در این اثر ترجمه شده، اوضاع چین و هند مورد بررسی قرار گرفته و از تحولات سیاسی و اقتصادی این دو کشور مطالبی ذکر شده است. افزون بر آن، از کشورهای دیگری چون اسپانیا، آفریقا، لیبریا، روس، انگلیس و آمریکای جنوبی (=اکواتر و شیلی و برزیل)، اس‌آنتنی (=اقیانوسیه)، فرانسه، کشن شین و آسیای مرکزی سخنانی دارد.

۲-۱-۴. سفرنامه‌هایی که توسط علی بن رضای نامه نگار در موضوع چین ترجمه شده‌اند

الف) سفرنامه چین [نسخه خطی] تألیف: موریس، ترجمه: علی بن رضای نامه‌نگار. در صفحه اول به خط ناصرالدین شاه آمده است که: «ملاحظه شد» و ترجمه این اثر از سوی مترجم به ناصرالدین شاه تقدیم شده است. مؤلف این سفرنامه، دکتر موریس در ششم ژوئیه ۱۸۷۲ م. از کشتی کروز در لنگرگاه سایگون پیاده می‌شود و پا به سایگون می‌گذارد، سپس به سیر و سیاحت در نواحی مختلف هند و چین می‌پردازد و از دیدنی‌های این ناحیه دیدن می‌کند. در ادامه، شرح مفصلی در خصوص مردم هند و چین و مسافرت هندوها به آن ناحیه و اختلاط آنان با چینی‌ها و بالاخره رسوم این مردمان و کارها و عادات آنان می‌آورد که بسیار جالب توجه است. او افزون بر این مطالب، از اوضاع جغرافیایی محل و عوارض زمین و معادن نیز مطالبی ذکر می‌کند و همچنین از امراض بومی و بهداشت ساکنان آن ناحیه سخن می‌گوید.

ب) سفرنامه چین [نسخه خطی] تألیف: مسیو طامسن، ترجمه: علی بن رضای نامه‌نگار مؤلف، فصل اول را به بحث در باره جزیره هنگ کنگ و بندر ویکتوریا اختصاص داده است. ترجمه این اثر نیز به ناصرالدین شاه اهداء شده و در صفحه اول به خط ناصرالدین

شاه چین آمده است: «تماماً ملاحظه شد». موضوع سفرنامه مباحث مسیو طامسن در مسیر حرکت از هند و چین است. او پس از گذشتن از سنگاپور به هنگ‌کنگ می‌رود و از آنجا قصد ورود به چین می‌کند. این سفر از سال ۱۸۷۰م. تا ۱۸۷۲م. طول می‌کشد و موجب می‌شود که نویسنده نواحی مختلف چین را دقیقاً ببیند و از شهرهای معروف پکن و کانتون دیدن کند. در این سفرنامه به یک سلسله اطلاعات ذی‌قیمت جغرافیایی و مردم‌شناسی برمی‌خوریم که نویسنده از این کشور که هنوز کهنسال فراهم آورده است. علاوه بر این، مباحث فراوانی راجع به تاریخ محل نیز یافت می‌شود.

ج) سیاحتنامه ایستری [نسخه خطی] تألیف: مسیو شارل ایریارت، ترجمه: علی بن رضای نامه‌نگار. این ترجمه را نیز مترجم به ناصرالدین شاه اهداء کرده است. داستان این سیاحتنامه از این قرار است که ولایت ایستری از سال ۱۸۱۵م. از آن دولت اطریش می‌شود و از جنوب به دریای آدریاتیک محدود است. این ولایت، مثلث‌گونه‌ای است که در قسمت سفلی آن خطی است که از شهر تریست به شهر فیوم کشیده شده و مسیو شارل به سال ۱۸۷۴م. از این ناحیه دیدن کرده است و اوضاع جغرافیایی، آداب و رسوم مردمان، راه‌ها، مزارع و تجارت آن محل را با دقت توصیف نموده است.

د) سیاحتنامه چین [نسخه خطی] تألیف: مسیو شوتسه، ترجمه: علی بن رضای نامه‌نگار. این سیاحت‌نامه، تتمه گزارش سفر مسیو شوتسه به پکن و چین شمالی در سال ۱۸۷۳م. است و با اطلاع از اوضاع اقتصادی و خرابی محل، وضع چین را در ابتدای قرن بیستم میلادی به خوبی روشن می‌کند.

ه) شرح مسافرت از چین به ژاپن و کره [نسخه خطی] تألیف: یوسف والتن. این اثر ترجمه شده در بردارنده شرح مسافرت یوسف والتن از چین به ژاپن و کره در سال ۱۸۹۹م. است. سفرنامه مشتمل بر ۱۶ فصل و یک خاتمه و یک ورقه نقشه چین بوده و فصل اول آن، مسافرت به نیوشرانک را بنا بر وضع و طبیعت چین- که برای سیاح تازگی داشت، روایت می‌کند. وی مال التجاره ژاپن به آن شهر را در ۱۸۹۷م. که با کشتی‌های ژاپن خارج و داخل این شهر شده‌اند، بالغ بر ۱۶۰۰۰ تن برآورده کرده است. یوسف والتن در

سال ۱۸۹۹م. از چین به ژاپن و کره می‌رود و شرح سفر خود را در این نواحی نیز به رشته تحریر در آورده است. این سفرنامه شامل ۱۶ فصل و یک خاتمه است، به اضافه یک نقشه چین که کتاب حاوی اطلاعات مفصّل جغرافیایی در باره چین، ژاپن و کره است. قسمت‌های آخر از نسخه موجود این اثر در کتابخانه ملی ایران، قلم افتادگی دارد و احتمالاً صفحات زیادی از آن مفقود شده است.

و) سفرنامه چین و دالماسی [نسخه خطی] مسیو شوتسه و مسیو شارل، ترجمه: علی بن رضای نامه‌نگار. این اثر ترجمه شده و نسخه آن حاوی دو قسمت است؛ قسمت نخست از صفحه یک شروع می‌شود و تا صفحه ۱۰۹ می‌آید. در آن سفرنامه مسیو شوتسه می‌نویسد که: در سال ۱۸۷۳م. که به چین سفر کرده، از پکن پایتخت آن کشور نیز دیدن کرده و به نقاط شمالی آن سرزمین رفته است. وی اطلاعات فراوانی در باره مردمان و اخلاق و زندگی آن قوم فراهم آورده و در توردومند منتشر کرده است. قسمت دوم که از صفحه ۱۱۱ شروع می‌شود و تا صفحه ۲۰۸ ادامه دارد، سفرنامه شارل ایریات است که در سال ۱۸۷۵ م. به دالماسی - یکی از نقاط استریه = (اتریش) - سفر می‌کند و اطلاعات جالب توجهی از وضع مردمان آن سرزمین گرد آورده و در توردومند چاپ می‌نماید.

مجموعه آثار فوق که ترجمه علی بن رضای نامه‌نگار از مترجمان فعال و پرکار دارالترجمه بود، در مجموعه‌ای به نام شش سفرنامه [نسخه خطی] جمع شده است که در حاشیه صفحه اول آنان به خط ناصرالدین شاه آمده: «تماماً ملاحظه شده»؛ ترجمه این آثار همگی به شاه تقدیم شده است.

۳-۱-۴. روایت مؤلفان و سیاحان ایران از ممالک چین

الف) سفرنامه مکه از راه سیبری، چین و... به قلم مهدیقلی هدایت: این اثر در واقع شرح سفر دور کره از میرزا علی اصغر خان اتابک امین‌السلطان است که در سال ۱۳۲۱ق. پس از استعفاء از صدارت و با کسب اجازه از مظفرالدین شاه صورت گرفته است. تعدادی از وابستگان در این سفر همراه اتابک بوده‌اند و مهدیقلی خان هدایت نیز به تحریر آن

پرداخته است. مسیر حرکت از راه شمال به سمت چین بود و روایت مشاهدات و شنیده‌ها بخشی از داده‌های موجود در این سفرنامه است، اما محرر اثر (مهدیقلی هدایت) به این موارد اکتفاء نکرده و قبل از انتشار آن به تکمیل مباحث در پرتو بهره‌گیری از منابع دیگر پرداخته است. در واقع، روایت این سفر یک ساله که در بردارنده مباحث مهم تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، طی چند سال پس از سفر با داده‌های علمی- ادبی و بهره‌گیری از منابع مهم به ویژه مباحث مربوط به چین و ژاپن تکمیل شده است. موضوعات مطرح در این اثر بیانگر دقت، تیزبینی و قدرت مؤلف در گردآوری داده‌های مفید است. او در مباحث مربوط به چین از هنر صورتگری چینی‌ها در قالب شعر سخن می‌گوید و پکن را کثیف‌تر از قزوین گزارش داده است. از فراغت بال اروپاییان در شهر تین سین سخن آورده و در مورد سیاست‌های استعماری روسیه تزاری و انگلستان به طرح چند داستان و اتفاق پرداخته است؛ «دول دیگر، انگلیس و فرانسه به خصوص امتیاز گرفته محله کنار شهر چینی آباد کرده‌اند. در محله فرانسه چراغ برق هم دایر است. آلمان، آمریکا و ژاپن هم متصل به شهر چینی محله‌ای به طرز خودشان خارر چشم چین، دست و پا کرده‌اند». یا داستان اینکه «راه آهن منچو (منشوری) را روس به شرط کشیده است که پس از هشتاد سال مال چین باشد (۲۷ اوت ۱۸۹۶) اگر تا آن زمان چینی باقی بگذارند. راه آهن دیگر از حیز ارتفاع افتاده است. بعد از سی و شش سال چین حق دارد راه آهن را بخرد اگر حساب سازی بگذارد» (هدایت، ۱۳۶۸: ۳۱-۳۰). همچنین از تسلط و حضور اروپایی‌ها در اغلب ممالک چین روایت کرده است که «در همه بنادر چین محله مخصوص اروپائی هست و اندکی به شهرهای خودشان می‌ماند... از شهر چینی جداست» و یا اینکه «کشتی‌های انگلیسی به اسم چینی» در بنادر مسلط فعالند (همان: ۴۴ و ۴۲). هدایت در بیان تحقیر چین از سوی دول اروپایی آورده است که: اروپائی تا هر جا برای تخفیف شئونات آسیائی و غیره ایستادگی دارد. من جمله باز کردن درب وسط فنسول‌ها که رتبه‌شان به مراتب دون فرمانفرماست. اگر وقتی امیری به چین برود باید اصلاً در را از جا کند. در

دنیا دری نیست که بشود بر اروپائی بست. به هر سوراخی رخنه می‌کنند. او در جایی از تأثیر جنگ داخلی ۱۸۷۰م. بر تخریب شهرها و فقر مردمان سخن گفته است. هدایت ضمن طرح افول و وخامت اوضاع چین نقل می‌کند که:.... پکن خاموش و خالی از جوش و خروش است.... اجمالا معلوم شد در پکن خبری نیست.... در قدیم چه شهرت داشته است که فرمودند: اَطْلُبُ العلم و لو بِالصین. در اینکه چینیان در علم و صنعت مقامی داشته‌اند، حرفی نیست و ما موقعی به چین آمده‌ایم که مردم پژمرده و دماغ سوخته‌اند (همان: ۵۸-۵۹).

توصیف و تعریف مخبرالسلطنه هدایت از حرکات و سکنات و عبور خاقان (امپراتوری چین) از میان عامه بی‌شبهت به تصور ذهنی او از جایگاه پادشاه در اندیشه سیاسی دوره قاجار نیست. او می‌نویسد: عامه و تماشاچی در موقع عبور خاقان دو طرف خیابان در صفوف قرار می‌گیرند و به سجده می‌افتند. شمایل خاقان را نباید ببینند. ملتزمین علی قدر مراتب دور و نزدیک حرکت می‌کنند.... خاقان یا سوار فیل است یا در مَحْفَه‌هائی زرکوب به صورت طاووس یا پیکر اژدها که خُدَام مخصوص به دوش می‌برند.... رنگ زرد مخصوص خاقان و دستگاه اوست (همان: ۶۰).

بخش مهمی از مباحث مخبرالسلطنه هدایت به باورهای دینی و فلسفه در چین متمرکز است. او از مباحث و تعالیم اخلاقی کُنفوتسه و لائتسه، آیین بودایی و طرح برخی از اعتقادات باورمندان آن، دین عیسویان در چین و سرانجام از مسلمانی در این مملکت سخن آورده است. وی ورود اسلام به چین را در سال ۱۳۸ هجری و همزمان با ارسال چهار هزار مرد جنگی توسط خلیفه ابوجعفر به منظور کمک به حکومت چین برای دفع حمله مغولان دانسته که این افراد در چین اقامت گزیده و اجازه وصلت با چینی‌ها یافتند و بعدها هم تجار عرب با بنادر چینی مراوده داشته و در دوره حکومت مغولان نیز عده زیادی از مسلمانان به چین (مملکت آسمان) مهاجرت کردند (همان: ۶۹-۷۵؛ سین لیان، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۱۰۱).

نویسنده با رویکردی انتقادی نسبت به عدم آگاهی و شناخت در میان مردم چین از قول موسیو لاپطو، قنصل روس که آنها را به قنصلخانه دعوت کرده، می‌نویسد: «اگر چینی از اوضاع عالم باخبر بود و خود را به فراخور زمان ساخته با هشتصد کرور جمعیت، همان حق با امپراتور ویلهلم دوم (امپراتور آلمان) بود که اعلان بلای زرد نمود. قنصل دولت خودش را در روش سیاسی به همین نظر ملامت می‌کرد و می‌گفت: این قوم هر وقت دست به کار بزنند حکایت آنها و ما حکایت باد است و پشه، سیل است و خاشاک...» (همان: ۴۷).

ب) مرآت الزمان در تاریخ چین و ماچین و جیان [چاپ سنگی] تألیف: میرزا محمد ملک‌الکتاب شیرازی، کاتب: میرزا مهدی گلپایگانی. این اثر در بمبئی و به سال ۱۳۱۱ق. منتشر شده است. کتاب مجملی از حالات مملکت چین و اخبار سلاطین آن مرز و بوم و رسوم و قواعد آن مملکت از زمان‌های قدیم تا عصر نویسنده است. وی در تألیف این کتاب از دو کتاب "تاریخ چین" از پادری ایکسوس که فرنگی خان آن را به فارسی ترجمه کرده و نیز سفرنامه لاردیکرتینی که در ۱۲۰۷ق. در مدت اقامت خود در پکن نوشته، استفاده نموده و در یازده فصل نوشته است.

ج) سیاحت‌نامه کره [نسخه خطی] تألیف: منوچهر بن عمادالدوله: سیاحت‌نامه کره در ۱۳۱۰ق. به رشته تحریر در آمده است. در این اثر چنین گفته شده است که شبه جزیره کره که در شرق و شمال شرقی چین- قرار دارد، از جمله مناطقی بوده که هر خارجی به- آنجا پا می‌گذارد، کشته می‌شده است. تا آنکه بعضی از کشیش‌های مسیحی به صورت مخفیانه از رودخانه مرزی عبور کرده و به- داخل سرزمین راه یافتند. دولت چون از ورود کشیش‌ها مطلع شد، به شدت مخالفت کرد و مانع از عمل آنها شد. شبه جزیره کره همچنان در بسته بود تا آنکه بر اثر موافقت‌نامه‌هایی اجازه ورود به سرزمین در بسته داده شد. نویسنده با یک- کشتی انگلیسی "پکن" به "چقو" می‌رود و خود را به- داخل سرزمین کره رسانده و به- مشاهده این سرزمین مخفی پرداخته است. حاصل مشاهدات او سفرنامه فوق است که حاوی مطالب جغرافیایی آن منطقه است و اطلاعات زیادی به دست می‌دهد.

نتیجه

روابط ایران و چین در پرتو ترجمه‌های دوره فتحعلی‌شاه بیانگر اهمیت چین و میراث پزشکی، تاریخی- تمدنی و مسائل مشترکی است که دو سرزمین کهن شرقی در مواجهه با دول قدرتمند اروپایی را تهدید می‌کرد. دوره تیموریان، عصر طلایی تبادل دانش، تجارت و فرهنگ بین دو کشور و دوره قاجار عصر افول آن است. ایرانیان علیرغم انقطاع مناسبات سیاسی با چین از سال‌ها پیش از حکومت قاجار و در طول قرن نوزدهم به موضوع چین توجه داشتند و در دوره فتحعلی‌شاه، کتاب تاریخ چین را برای شناسایی آن کشور ترجمه کردند. انحصار مناسبات سیاسی ایران به دست روس و انگلیس در سراسر قرن نوزدهم و تشریک مساعی این دو رقیب مانع از ورود هر گونه کشور ثالث در مناسبات با ایران می‌شد، اما بازرگانان و سیاحان ایرانی بدون حمایت دولتی سعی در تبادل افکار و اندیشه و مبادلات کالایی و فرهنگی از راه سیبری (شمال) و راه بوشهر (جنوب) به چینی‌ها کردند. مسأله مهمی که به عنوان بحران در چین مطرح شد و توجه حکام قاجار را به خود جلب کرد، منازعه مسلمانان چین با امپراتوری منچو از یک سو و قیام تایپینگ‌ها از سوی دیگر بود که عمده‌ترین حوادث داخلی چین از دهه ۱۹۶۰ تا پایان قرن نوزدهم آن کشور را تشکیل می‌دادند. این مسائل به همراه تاریخ، سنت‌ها و رسوم چینی، طب سنتی و الگوی حکمرانی آنان در رویکرد سیاحان ایرانی بازتاب یافته است و متون ترجمه شده از سیاحان اروپایی به فارسی با رویکردی منفی سعی بر ارائه تصویری عقب مانده از ممالک شرق از جمله چین را داشته‌اند. این متون از حیث مردم‌شناسی چین و بررسی رسوم و تنوعات فرهنگی و جمعیتی در چین از اهمیت شایانی برخوردارند.

منابع و مأخذ

- آذری، علاءالدین، ۱۳۶۷، *تاریخ روابط ایران و چین*، تهران: چاپخانه سپهر.
- ایزرائیلی، رافائل، ۱۳۶۸، *مسلمانان چین رویارویی دو فرهنگ*، با مقدمه: سی. ای. بازورث، ترجمه: حسن تقی‌زاده طوسی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ای دان، وانگ، ۱۳۷۹، *تاریخ چین از جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خطائی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۲، *خطای نامه: شرح مشاهدات سید علی‌اکبر خطائی معاصر شاه اسماعیل صفوی در سرزمین چین*، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین، ۱۳۸۷، *تاریخ حبیب‌السیر*، با مقدمه: جلال‌الدین همایی، زیرنظر: دبیرسیاقی، تهران: هرمس.
- دبیری، محمدرضا، ۲۴ فروردین ۱۳۹۲، *ناصرالدین شاه، انقلاب چینی و شورش هندی (یادداشت)*، خبرنگار دیپلماسی ایرانی، تهران.
- رشیدالدین، فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸، *سوانح/افکار رشیدی*، به کوشش: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- _____، ۱۹۴۵، *مکاتبات رشیدی*، گردآورنده: محمد ابرقوهی، به سعی و اهتمام و تصحیح: محمد شفیع، لاهور: دانشگاه نیماب.
- سدیدالسلطنه (کبابی)، محمدعلی، ۱۳۴۲، *بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس)*، مقدمه و فهارس: احمد اقتداری، به کوشش: علی ستایش، تهران: ابن سینا.
- سین لیان، جان، ۱۳۸۶، *تاریخ روابط چین و ایران از روزگار اشکانی تا شاهرخ تیموری*، ترجمه: جان هون نین، ویراستار: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۷۳، *شاهنامه*، جلد ۷، ویراستار: مهدی قریب و محمدعلی بهبودی، تهران: توس.
- کرزن، جرج، ۱۳۴۷، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران: ابن سینا.

۲۲۸ / فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۷ و ۱۸، ش ۶۸ و ۶۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

لاپیدوس، آیرا ماروین، ۱۳۷۶، *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه: محمود رمضان‌زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

محلّاتی، حاج سیّاح، ۱۳۵۶، *خاطرات حاج سیّاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش: حمید سیّاح، به تصحیح: سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.

مین، لوهوئی، ۱۳۵۴، *تاریخ چین*، ترجمه: ناهید شروقی، تهران: امیرکبیر.

هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی، ۱۳۶۸، *سفرنامه مکه از راه سیبیری، چین و...*، به کوشش: سید محمد دبیرسیاقی، تهران: تیراژه.